

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فائق رستاقی

۰۷ نومبر ۲۰۲۰

حاشیه ای بر حمله جنایتکارانه مسلحانه بر پوهنتون کابل و محصلان آن

(۲)

در بخش اول این نگارش، چهار سناریوی محتمل حمله بر پوهنتون کابل و کشتار عامدانه و جنایتکارانه محصلان بی گناه و غیرنظامی را به اختصار برشمردیم. از لحاظ منطقی، امکان عملی بودن هر یکی از چهار سناریوی پیشگفته، محتمل است. با این همه، سرخ ها، تردید ها، ابهامات و سؤال هائی وجود دارد که احتمال یکی را تضعیف و امکان وقوع دیگری را تقویت می کند.

به دلیل همزمانی بن بست مذاکرات جاری دوحه با حمله بر پوهنتون کابل، همزمانی روز حمله با برپائی نمایشگاه مشترک ناشران افغان و ایران در این دانشگاه، پیچیدگی و تداخل مسائل دخیل در حمله مسلحانه به دانشگاه کابل، موجودیت اتهامات متقابل، گرفتن مسؤولیت و رد قبول مسؤولیت توسط داعش، دست داشتن احتمالی نیرو های امنیتی – اطلاعاتی دولت کابل در طرح و اجرائی ساختن حمله در همکاری با داعش، پنهان نگه داشتن حقایق از مردم افغانستان توسط دولت مزدور، عدم اراده دولت "غنی" برای پیگیری موضوع و رها سازی ۱۳ تن از افسران مسؤول پولیس متهم به سهل انگاری کاری و یا همکاری احتمالی با حمله کنندگان، تحقیق در مورد بستر فکری حمله به دانشگاه و رشد افراطیت و افکار جاهلیت نوین در میان استادان و شاگردان پوهنتون کابل و به ویژه پوهنخی شرعیات، موارد مشابه قبلی مسؤولیت گرفتن داعش از کار طالب و تبدیل شدن داعش به اسم مستعار طالب در حملات قلبی همراه با دلایل دیگر...، مشکل است تا حکم قطعی و یقینی در مورد سناریوی معین در حمله به دانشگاه کرد.

ممکن است این حمله در نتیجه هماهنگی و اشتراک مساعی گروه های افراطی و اطلاعاتی چندی که از یک مرکز هدایت می شده اند، سازماندهی و اجرائی شده باشد، ولی آنچه را که بی گمان می توان گفت، اینست که رابطه ای متقابل و تنگاتنگ میان مذاکرات دوحه بین مزدوران دولتی و طالبی امریکا و بازی های تبهکارانه امپریالیسم امریکا برای تعیین سرنوشت ملی و اجتماعی مردم این سرزمین، وجود دارد که نباید از توجه افکار عامه مردم، روشنفکران ملی، دموکرات و انقلابی، جوانان و دانشجویان کشور ما به دور بماند. تشخیص مسؤولان حمله به دانشگاه از جمله تکلیف نهاد های کشفی و اطلاعاتی دولت پوشالی "غنی" است که نه چنین اراده ای دارد و نه دست و دامن آن از اتهام دست داشتن در این جنایت، پاک است. به دلیل پنهان کاری دولت، سایه انداختن، شرکت احتمالی افراد دولتی و عدم همکاری

نهادهای دولتی با رسانه‌ها و روشنگران؛ روشنفکران و قلم به دستان موفق نخواهند شد تا ره به عمق این مسأله پیچیده و چند جانبه ببرند و صرفاً قادر خواهند شد تا سؤال‌ها، تردیدها و ابهامات معینی را در پیرامون این رویداد خونین و فاجعه بار مطرح کرده و سرخ‌های معینی را برجسته سازند که به هیچ صورت راه به تحقیق جامع و مانع نمی‌برد. از این رو، ما برای آن که از ذهنی‌گری در امان بمانیم؛ در عین محتمل دانستن هر یکی از چهار سناریوی فوق و یا احتمال اشتراک مساعی دو یا سه تای آن، به صدور حکم صریح در مورد هیچ یکی از آنها نمی‌پردازیم.

با این پیچیدگی و تنوع ظاهری نقش آفرینان جنایتکار در کوی دانشگاه، دستور دهنده، مرکز هدایت کننده و نیروی مسؤوول اشغالگر یکی است: امپریالیست‌های اشغالگر تحت رهبری امریکا و زائده سیستم استعماری آن، دولت مزدور کابل. از همان ابتدای اشغالگری امپریالیسم امریکا و پرتاب بمب‌های طائرات (ب - ۵۲) در هفتم اکتوبر سال ۲۰۰۱م تا امروز و تا پایان اشغالگری امریکا - ناتو به کشور مستعمره ما، هر گاه سرباز اشغالگر، مزدور دولتی، مزدوران اخوانی جهادی و طالبی، مزدوران داعشی، جنگسالاران، زورگویان و مافیای تحت حمایت امپریالیسم اشغالگر در این سرزمین اشغالی آدم کشته، خون ریخته و حقوق حقه انسان دریند و تحت ستم این کشور اعم از زنان و مردان را زیر پای کرده اند، در پیشگاه قوانین ملی و بین المللی و دادگاه مردم افغانستان مسؤوول همه آنان و جرایم و جنایات شان، همین امپریالیسم خالق و حامی آنها، شمرده می‌شود.

امپریالیست‌های متجاوز و قاتل امریکا - ناتو به دو دلیل در قبال این وقایع خونین روزمره طی نوزده سال در کشور ما مسؤوولیت دارند:

الف: به دلیل اشغال نظامی افغانستان و ادامه آن. حاکم اصلی یک کشور مستعمره امپریالیسم اشغالگر است و این نیروی اشغالگر بیرونی زمینه ساز این همه فجایع و جنایات عدیده در کشور مستعمره ما بوده و حسابه است.

ب: علاوه از عملکرد اشغالگرانه و غارتگرانه و جنایات ضد بشری اش در کشور ما؛ و مزید بر پر و بال دادن و مساعد ساختن زمینه رشد گروه‌های مزدور و افراطی طالب و داعش، مماشات با القاعده و انتقال داعش به کشور ما، امپریالیست‌های امریکا - ناتو مسؤوول ایجاد دولت مزدور "کرزی - احمدزی" غرق در فساد نهادینه شده، خیانت ذاتی و جنایت سیستماتیک آن دولت با همه عملکردش، محسوب می‌شود.

دولت مزدور کابل با قوای ثلاثه و نهاد‌های امنیتی - اطلاعاتی فاسد، غدار، مزدوری مضاعف و ستمگری آن، پس از امپریالیسم اشغالگر، به مثابه یک دولت، مسؤوول تمام ستم‌روانی ستمگران بومی و دهاره‌های بنیادگرا و مزدور اسلامی نوع طالبی، جهادی و داعشی و زورمندان و جنگسالاران خوانی و مافیائی بوده است.

مردم دردمند افغانستان!

طی نوزده سال اخیر، این روال زندگی مردم ستمدیده افغانستان اسیر بوده است: امروز اشغالگر بمب می‌ریزد، فردا دولتی می‌کشد، پس فردا طالب انتحار می‌کند، روز دیگر گلبدین انفجار و چاشتی دیگر داعش به مسلسل می‌بندد. غیر از اشغالگر، دیگران اعم از قاتل و مقتول دنبال "شهادت" می‌گردند و مرده خود را "شهید" می‌نامند، بدون آن که درکی و تعریفی از این دو واژه داشته باشند. شما فرزندان همان نیاکان شجاعی هستید، که بار بار پوزه متجاوزان و اشغالگران شرق و غرب را به خاک مالیده اند. اگر هزار سال دیگر نیز تحت سلطه استعمار - ارتجاع زندگی خفت بار داشته باشید، همچنان سنگینی یوغ استعماری را بر گردن خویش حس کرده و روال زندگی تان همین خواهد بود. استعمار و ارتجاع با متفرق ساختن شما تحت نام قوم، زبان، منطقه و مذهب چنان شما را متفرق ساخته که به جای همسنگر و همسرنوشت تاریخی، فریب دشمن تاریخی را خورده و در صف دشمن هم خون و هم زبان تان علیه ستمکش همسرنوشت تان سنگر گرفته و به جز منافع خودی، در قبال درد رسیدگان میهن بی تفاوت شده اید. این حالت ابتری که

در وطن ما حاکم است، مطلوب امپریالیسم متجاوز و ایادی بومی وی است. بیانیید همه به این حالت بی تفاوتی در قبال درد مشترک و درد دیگران، پایان دهیم.

دانشجویان و جوانان پرشور وطن!

دانشگاه در هر کجای دنیا کانون پرورش اندیشه های دگرگون ساز و اندیشمندانی بوده است که تغییرات شگرف در عرصه های زیربنائی و روبنائی زندگی را در پی داشته و سبب ترقی جامعه، تکامل اندیشه و تعالی انسان حامل اندیشه های علمی در عرصه های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، تکنولوژیک و فرهنگی شده است. پوهنتون کابل به عنوان یک کانون علمی و سیاسی و محصلان آن در دهه چهل شمسی برای شما و دانشجویان قبل و بعد از شما ارثیه مبارزاتی درخشان و ارجناکی را به میراث گذاشته است. زمانی که محصلان پوهنتون کابل در دهه چهل شمسی از جا می جنبیدند و یک جا با زحمتکشان شهری و دانش آموزان مکاتب در صف طویل مظاهره کنندگان به راه می افتادند، از هیبت آن ارکان نظام فرتوت سلطنتی و پایه های ارگ پوشالیان نظام شاهی می لرزید. شما میراث دار یک چنین ارثیه ارجمند مبارزاتی هستید. دانش ستیزی و جهالت به طور فی نفسه مطرح نبوده و در هر محیطی از جمله محیط اکادمیک، با منافع امپریالیسم و ارتجاع پیوند دارد. باید بدانید که رشد افراطیت مذهبی و بنیادگرایی در هر شکل آن در محیط دانشگاه، خواست امپریالیسم اشغالگر و ارتجاع دولتی و غیردولتی برای جلوگیری از رشد و جوانه زدن اندیشه های مترقی و بالنده است و در عقب آن منافع استعماری و ارتجاعی مضمحل است. با توجه به شرایط مشخص حاکم بر هر کانون دانشگاهی در کشور، شما به رسم اسلاف تان وظیفه دارید تا از اصالت مترقی اندیشه در بحبوحه قرن بیست و یکم در برابر "جاهلیت نوین" دسته های گماشته شده از جانب مراکز استعماری - ارتجاعی، مقاومت کرده و به اشکال ممکن و مقتضی به انسجام دست زنید. بی تفاوتی هر هموطن اعم از عامی تا دانش پژوه و دانشمند در قبال درد دیگران و حالت ابتر وطن، بی تفاوتی نابخشودنی ایست که روزی گریبان هر یکی از افراد این وطن را خواهد گرفت. جنب و جوش و پیشتازی در راستای برون رفت از این حالت ابتر، وظیفه تخطی ناپذیر هر جوان آگاه، منور، با درک و با درد این وطن خونین تن است.

روشنفکران مترقی، انقلابی و آزادیخواه متشکل و غیرمتشکل!

شما در قدم اول وظیفه دارید تا با انسجام خود و غلبه بر تفرقه، در پیشاپیش صفوف توده های معترض و حقجو به سوی انسجام و بسیج آنان دست به روشنگری، دعوت، رهگشائی و سازماندهی بزنید و با آنان بیامیزید و تحرک جوانان و تعرض توده های معترض را سمت و سو بخشید. اگر وضع همین است که همه نظاره می کنیم، پس نجیبیدن و سکوت و بی تفاوتی جمعی و فردی ما در قبال این همه خون و خشونت و بازی با سرنوشت جمعی ما؛ گناهی است که بر گردن همه ما سنگینی می کند و از مؤاخذه تاریخی بابت این بی تفاوتی گریزی نخواهد بود. پس بهتر است قبل از این که دیر شود، به خود اُتیم و مسؤولیت های خطیر میهنی و تاریخی مان را دریابیم و بدان عمل کنیم.